



Oath and its Comparative Study in the Qur'an, Jurisprudence, Law and Allusions in Rumi's Ghazals

Asieh Rahimi¹ Sorayya Razeghi *² Zahra Ghoroghi³

Received date: 2024/01/10

Acceptance date: 2024/03/16

Abstract

Swearing is one of the oldest rituals that writers, commentators, jurists and lawyers have given many definitions and have looked at it from many angles, which extracts have crystallized in the works of poets and writers, including Divan Shams. Commentators have divided Quranic swearing into two categories according to who issued them: the first type is binding swear. This swear is used in Islamic jurisprudence and is called a marriage swear. The second type is investigative swear, which are mostly used in law and justice and sometimes in disputes. Rumi's speech in Diwan Shams is full of jurisprudential, legal and Quranic oaths, which has a high frequency of Quranic oaths due to Rumi's familiarity with the Quran. In the meantime, most of the researchers' attention has been focused on mythological swearing, which in this article, in addition to a short research on swearing in literature, Quran, jurisprudence and law. The swearing of Diwan Shams were also analyzed from various angles. It is clear that discovering and understanding the types of swears in Divan Shams will help to understand the secrets of Rumi's poems and vast thoughts. The method of this research is descriptive-investigative and analytical, using the library method. According to the findings of the research, Rumi acted in two ways in expressing the hints related to oaths in his ghazals, either he used the same phrase related to swear in his poem or he used the method of associating meanings in which a phrase or a word brings to mind the swear.

Keywords: Swear, Qur'anic oaths, jurisprudence, Rumi, Shams's poetry.

¹. Ph.D. Student of Department of Persian language, Humanities Faculty, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran-Iran.
ha.rahimi1983@gmail.com

². * Assistant Professor of Department of Persian language, Humanities Faculty, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran-Iran (corresponding author) s.razeghy@yahoo.com

³. Assistant Professor of Department of Persian language, Humanities Faculty, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran-Iran,
z.ghoroghi99@gmail.com

سوگند و بررسی تطبیقی آن در قرآن، فقه، حقوق و تلمیحات غزل‌های مولانا

آسیه رحیمی^۱ ثریا رازقی*^۲ زهرا قرقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

چکیده

سوگند، که با واژه‌های یمین، حلف و قسم، از آن یاد می‌شود، از کهن‌ترین رسم‌هاست که ادیبان، مفسران، فقها و حقوقدانان تعاریف متعددی از آن ارائه داده و از زوایای متعددی به آن نگریسته‌اند که عصاره آن‌ها در لابلای دواوین شاعران و نویسندگان از جمله دیوان شمس، متبلور شده است. مفسران، سوگندهای قرآنی را از نظر این که از چه کسی صادر شده، به دودسته تقسیم کرده‌اند: نوع اول، سوگندهای التزامی، این سوگند در فقه اسلامی کاربرد دارد و به آن یمین عقدی می‌گویند. نوع دوم، سوگندهای تحقیقی است که بیش‌تر در حقوق وقضا و گاهی در مجادلات و مشاجرات کاربرد دارد. کلام مولانا نیز در دیوان شمس آکنده است از سوگندهای نوع به نوع فقهی، حقوقی و قرآنی، که به سبب مانوس بودن مولانا با قرآن، آیات الاقسام بسامد بالایی دارد. در این میان، غالب توجه محققان به سوگندهای اسطوره‌ای معطوف بوده است که در مقاله حاضر، علاوه بر پژوهشی کوتاه در باره سوگند در قرآن، فقه و حقوق، سوگندهای دیوان شمس نیز از زوایای گوناگون مورد تطبیق و تحلیل قرار گرفت. پرواضح است که کشف و فهم انواع سوگندهای موجود در دیوان شمس، به درک رموز اشعار و افکار وسیع مولانا، کمک بیش‌تری خواهد کرد. روش کار در این تحقیق توصیفی - تحقیقی - تحلیلی، با استفاده از روش کتابخانه‌ای است. مطابق یافته‌های پژوهش، مولانا در بیان تلمیحات مربوط به سوگندها در غزلیاتش به دو صورت عمل کرده است یا عین عبارت مربوط به سوگند را در شعر خود آورده است یا از شیوه تداعی معانی بهره برده است که عبارتی و واژه‌ای از آن، سوگند را به ذهن متبادری کند.

واژگان کلیدی: یمین، سوگندهای قرآنی، فقهی، مولانا، غزلیات شمس.

ha.rahimi1983@gmail.com

s.razeghy@yahoo.com

z.ghoroghi99@gmail.com

^۱ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^{۲*} استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

سوگند، بالاترین درجه تاکید در اثبات مطلب در میان مردم است وقتی گوینده احتمال می‌دهد که مستمع سخن او را باور نکند، با سوگند خوردن شک و تردید را از بین می‌برد. از این روی، سوگند در قرآن، فقه و حقوق، علاوه بر الزامات و تعهدات مقسم به، یکی از دلایل مهم اثبات دعوا به شمار می‌رود. ادیبان مفسران تعاریف متعددی از قسم ارائه داده‌اند: واژه سوگند را در اوستا که یکی از انواع ور (آزمایش) است «سوگنته»، در عربی «قسم» و در اروپایی «اوردال» می‌گویند (رهبر، ۱۳۴۸: ۱۶). قسم جمله‌ای است که تاکیدکننده جمله خبری غیر تعجبی است (سیوطی، ۱۴۱۸: ۱۸). «قسم» این است که یاد کننده قسم، گویا با سوگند خوردن، در هر جایگاهی که باشد از زیبایی و جمال آن چیزی را که به آن قسم می‌خورد، بهره‌ای می‌برد (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۷۰).

سوگند عبارت است از به شهادت طلبیدن خداوند برای امری به سود خود و به زیان دیگری (مدنی، ۱۳۹۳: ۲۱۱). سوگند یا قسم، گفتاری که برای تاکید و اثبات حق یا نفی عمل و رد مطلبی بر زبان آورده می‌شود، و انواع متفاوتی دارد که معمولاً موثرترین آن‌ها با آداب و آیین‌های خاص همراه است (قنات، ۱۳۹۹: ۲)؛ (رحیمی، ۱۳۹۳: ۱). روی هم رفته سوگند را اعترافی تعریف می‌کنند که شخص از روی شرف و ناموس خود می‌کند و یا خدایان بزرگی را شاهد می‌گیرد (کیایی، ۱۳۷۱: ۳). در عهد باستان سوگندان گوناگونی معمول بوده و عمل سوگند خوردن و سوگند دادن را که بایستی در حضور موبدان صورت پذیرد، «ور» می‌گفته‌اند (بهار، ۱۳۳۱: ۲۰۹). ور بر دو نوع است: «ور گرم»، «ور سرد». اما مشهورترین انواع ورسرد سوگند خوردن بوده است؛ سوگند به معنی آب دارای گوگرد یا روشنایی بدبو است. در این نوع سوگند، متهم باید برای اثبات بی‌گناهی خود طی آداب و آیینی ویژه از این آب می‌نوشید، اگر بی‌گناه بود، این آب زود از بدن او دفع می‌شد. وجه تسمیه سوگند خوردن نیز به همین دلیل است (پور داود، ۱۳۳۱: ۱۵۴). بسامد سوگند در اشعار یک شاعر می‌تواند تا حدودی نمودهای فکری و بیم و امیدها را برای مخاطب روشن سازد. در این میان شاعران درمطای تاریخ شعر پارسی، سوگندهای زیادی به صورت منسجم و غیر منسجم بر زبان رانده‌اند. رایج‌ترین نوع سوگند در آثار نویسندگان و شعرای پارسی‌گوی "سوگندنامه" یا "قسمیه" نام گرفته است.

پژوهشگران و محققان، در مورد سوگند در قرآن، فقه، حقوق و ادبیات، به تفصیل سخن رانده و تحقیقات عدیده‌ای انجام داده‌اند؛ در این میان غالب توجه و نظر محققان، به سوگند در قرآن و ادبیات به سوگندهای اسطوره‌ای معطوف بوده و در رابطه با این پژوهش در راستای موضوع "سوگند و بررسی تطبیقی آن در قرآن، فقه و حقوق و تلمیحات غزل‌های مولانا" تحقیقی جامع و مستقل که در اشعار و تلمیحات مولانا برجستگی خاصی دارد، نگارش نیافته است. لذا با توجه به اتصال مولانا به دریای علم الهی و انس با قرآن کریم و علوم فقهی و اسلامی و به تبع آن ایجاب و اهمیت مسئله، مقاله حاضر کوشیده است با بررسی نوع نگاه مولانا به سوگند، به طور جامع ابعاد موضوع تلمیحات سوگندهای قرآنی، فقهی و حقوقی در غزلیات شمس را بیت به بیت مورد تدقیق قرار دهد و با مطابقت با سوگندهای قرآنی، فقهی و حقوقی با مد نظر قراردادن ابعاد تفسیری آن، به شیوه تحلیلی و تطبیقی به پرسشی چند پاسخ گوید و جنبه بکر و تازگی موضوع بی‌سابقه است.

هدف از این تحقیق، تبیین و استخراج انواع سوگندهای قرآنی، فقهی و حقوقی در غزلیات شمس و بررسی تطبیقی آن‌ها با سوگندهای قرآنی، اعم از سوگندهای التزامی، تحقیقی و سوگندهای فقهی اعم از سوگندهای عقدی (تاکیدی) با ملازمت انواع آن، با مد نظر قرار دادن مقسم به، یعنی چیزهایی که به آن‌ها سوگند یاد کرده می‌شود، چون سوگند به خداوند، سوگند به کتاب آسمانی، سوگند به پیامبر، سوگند به فرشتگان، سوگند به زمان، سوگند به مکان‌های مقدس و غیره و تفکیک و بررسی آن‌ها. بدیهی است که با این بررسی می‌توان دیدگاه و میزان سخنوری و ذهن و زبان شاعر را مطابق یافته‌های پژوهش با استناد به قرآن، تفاسیر و کتب معتبر شرح و تفسیر، برنمود و موجب روشن شدن دیدگاه‌ها، ابهامات و گره‌گشایی از افکار شاعر و نکات نهفته بعضی اصطلاحات دینی، فقهی، حقوقی و قرآنی در اشعار را فراهم نمود و راه را برای تحقیقات بعدی هموار کرد.

۱- سوگند

لغت‌شناسان یمین را به سوگند معنا کرده‌اند و از آن به قسم و حلف نیز تعبیر می‌شود (معلوف، ۱۳۸۰: ۲۲۴۷). سوگند، همواره در هر دورانی با آیین و رسوم گوناگون در فرهنگ مردم ایران ردپایی داشته است، در این میان مصادیق سوگند (ور) که در دوره ادبیات پیش از اسلام سوگند به آب و آتش، صبغه آیینی و اعتقادی داشت، در گذر زمان رنگ اساطیری به خود گرفته بود. این نوع طبقه‌بندی را برای گروهی خاص از سوگند که

فقط بر زبان آورده می‌شود و کاربرد و آداب آیینی ندارد و به انواع دیگر سوگند نمی‌توان تسری داد (قنوتی، ۱۳۹۹: ۳). در دوره اسلامی نیز سوگند خوردن با اهداف "رفع اتهام و تشخیص گناهکار از بی گناه" (پورداد، ۱۳۲۱: ۲۸۲) و با واژه سوگند و عبارت سوگند خوردن، و واژه عربی قسم و ترکیبات فارسی آن، در فرهنگ ایرانی با اشکال متنوع رواج و استمرار یافت. در قرآن کریم سوره‌های فراوانی یافت می‌شود که با سوگند شروع می‌شود (مثل صافات ۱-۳)، خداوند در این سوره‌ها به قرآن کریم، به طور سینا، به قلم، فرشتگان، خورشید، ماه، به شب و روز و... سوگند خورده است. در فقه اهل بیت و مذاهب نیز یمین، مدعی علیه و یا مدعی یکی از راه‌های اثبات دعوا شمرده شده است (زراعت، ۱۳۸۸: ۱۷۴). هم چنین سوگندهای خداوند تاثیر فراوانی بر سوگندهای روزمره مردم داشته است (قنوتی، ۱۳۹۹: ۴). سوگندهای رایج میان مردم ایران در دوره اسلامی، از جمله دهه‌های اخیر متنوع بوده، همین موضوع طبقه‌بندی آن‌ها را مشکل کرده است. شیخ بهایی از دیدگاه فقهی، سوگند را به پنج گروه تقسیم کرده است: واجب، حرام، مستحب، مکروه، مباح (بهایی، ۱۳۹۳: ۱۹۳). نویسندگان و محققان برحسب این که مقسم به مردم چیست؟ کتاب سوگند در زبان و ادب فارسی در این مورد می‌گوید: "مصادیقی فراوان چون سوگند به پروردگار، اشخاص و اشیای مقدس بیان شده است" (کیانی، ۱۳۷۱). و این موضوع از موارد بحث برانگیز فقهی و حقوقی است، گروهی به سبب حقیقت‌گویی و پرهیز از خلاف‌گویی با استناد به فلسفه و حکمت سوگند، سوگند به مقدسات دیگر را هم جایز و صحیح و موثر می‌دانند. گروهی دیگر به لحاظ فلسفه سوگند، هم سوگند به خداوند متعال و هم سوگند به آن امر مقدس را ضروری شمرده است (دانش پژوه، ۱۳۹۲: ۹). ولی علی‌رغم اختلاف صاحب نظران "اغلب فقهای اسلامی، اعم از سوگند فرد مسلمان و غیر مسلمان، ادای سوگند به نام خداوند متعال را پذیرفته است" (عاملی و همکاران، ۱۴۱۴: ۳۰۳). در قانون‌های ایران نیز به پیروی از فقه اسلامی، بر این امر مهر صحه گذاشته و تنها سوگند به خداوند متعال پذیرفته شده است (ماده ۲۸۱ آیین دادرسی مدنی، ماده ۱۶ و ماده ۲۰۳ قانون مجازات اسلامی). علاوه بر موارد یاد شده، فرهنگ سوگند خوردن در میان اقوام ایران نیز با آداب و آیین خاصی همراه است، رایج‌ترین نوع آن در آثار شعرای پارسی‌گوی با سوگندنامه‌هایی بازتاب یافته است. مولانا نیز از جمله شاعرانی است که سوگندهای قرآنی و فقهی نه تنها در غزلیات بلکه در مثنوی هم منعکس کرده است.

تا به شیشه در رود دیو فضول (۱۲۱۲/۵)

از گواه و از یمین و از نکول

۱-۱- علت سوگند خوردن خداوند در قرآن

هدف اصلی از سوگند مردم، اثبات مطلب و رفع شک و تردید است و همواره نگران عواقب و آسیب‌ها در صورت دروغ بودن آن هستند. این در حالی است که سوگندهای خدا با سوگندهای مردم فرق دارد، چرا که خداوند نه از کسی یا چیزی ترس دارد و نه فقدان چیزی برایش ضرر می‌رساند تا سوگند یاد کند. از طرف دیگر درباره سخن خدا، مومن نیاز به سوگند ندارد و برای کافر سوگند سودی ندارد، پس چرا خداوند در قرآن بارها و بارها سوگند یاد کرده است؟ نویسنده تفسیر المیزان نیز برای قسم خوردن خداوند در قرآن سه دلیل و برهان ذکر می‌کند:

۱. قسم برای تاکید شدید مضمون هر مطلبی است که به خاطر آن آمده است (طباطبایی، ۱۳۴۴: ۳۰۲).

۲. از قسم عظمت و شرافت چیزی که به آن قسم شده، فهمیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۱۴: ۲۳۷).

۳. قسم از شخص حکیم می‌تواند نشان دهنده استدلال و برهان ضمنی بر آن چه قسم برای آن یاد شده باشد. (طباطبایی، ۱۳۱۴: ۲۳۷)

۱-۲- سوگندهای خداوند در قرآن

خداوند متعال در آیات متعددی به مواردی قسم یاد کرده که نشانگر ارتباط ویژه بین یادکننده قسم و آن‌چه که بدان قسم یاد شده وجود دارد و هر چه شأن و مقام یادکننده قسم بالاتر باشد، حکایت از اهمیت بالای آن موضوع دارد که از دیدگاه مفسران و قرآن پژوهان مواردی از آن‌ها را به اختصار یادآور می‌شویم: ۱. قسم به نام پاکش ۲. سوگند به قرآن ۳. سوگند به جان پیامبر ۴. سوگند به فرشتگان ۴. سوگند به انسان ۵. سوگند به اسبان دوندۀ مجاهدان ۶. سوگند به زمان (شب، روز، سپیده دم، به عصر و... ۷. سوگند به مکان (کوه طور، مشارق و مغارب، بیت معمور، مکه و... ۸. سوگند به میوه (انجیر، زیتون) ۹. سوگند به اشیا مثل قلم و... (زارعی نژاد، ۱۳۹۱).

۱-۳- انواع سوگند

سوگند بر سه قسم است: سوگند قرآنی، فقهی و قضایی. مفسران و قرآن پژوهان سوگندهای قرآنی را به لحاظ مرجع صدور به دو نوع سوگند التزامی و تحقیقی تقسیم‌بندی کرده‌اند. فقها و حقوقدانان نیز هریک از اقسام سوگندهای فقهی، حقوقی را به انواع عقدی و قضایی تقسیم‌بندی

نموده‌اند (خرقانی، ۱۳۸۹: ۷). لازم به ذکر است که سوگندهای التزامی از سوگندهای رایج در قرآن و فقه است و در اصطلاح فقهی به آن سوگند عقدی و تأکیدی نیز می‌گویند که مقسم، با یاد کردن آن متعهد به انجام کاری در آینده می‌شود. سوگند تحقیقی که بیش‌تر در حقوق، قضا و گاهی در مجادلات و مشاجرات، برای اثبات امری یا ردّ مطلبی کاربرد دارد. اکثر نویسندگان سوگند را بر حسب سوگندهای مردم و این که مردم بیش‌تر به چه چیزهایی سوگند می‌خورند، طبقه‌بندی کرده‌اند. از دیدگاه حقوقی سوگند باید در مرجع قضایی، به یکی از اسامی خداوند که به غیر ذات مقدس او گفته نمی‌شود، قسم یاد شود مانند: خدا، الله و امثال آن (دانش پژوه، ۱۳۹۲: ۸). مصادیقی نیز هستند از قبیل سوگند به پروردگار، به کتاب آسمانی، به اشخاص، به اشیای مقدس و غیره که رویکرد فقهی دارد و در قرآن نیز به آن‌ها سوگند یاد شده است. مزید بر آن، سوگندهایی نیز هستند که به طور عادی و روزمره بر زبان جاری می‌شوند و آداب و آیینی ندارند که این نوع سوگند، که جزو بازی‌های زبانی است "پارادایم" می‌گویند (بالی، ۱۳۹۸: ۳۱). مقاله حاضر به بررسی انواع سوگند از منظر قرآن و فقه می‌پردازد.

۱-۳-۱- سوگندهای قرآنی

سوگندهای قرآنی در قرآن و تفاسیر و کتب معتبر مورد به انواع مختلف تقسیم شده و از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱-۳-۱- انواع سوگندهای قرآنی

سوگندهای قرآن این که از چه کسی صادر شده، به دو دسته تقسیم می‌شود: سوگندهای التزامی و سوگندهای تحقیقی که در ادامه به تبیین هر کدام پرداخته می‌شود:

۱-۱-۱-۳-۱- سوگندهای التزامی قرآن: سوگند التزامی، از سوگندهای رایج در قرآن و فقه است که در اصطلاح فقهی به آن سوگند عقدی و (تأکیدی) نیز می‌گویند که مقسم با یاد کردن آن متعهد به انجام کاری در آینده می‌شود. "سوگندی است که شخص برای متعهد و پایبند شدن به انجام کاری، و یا انجام ندادن آن، یاد می‌کند. مثلاً با بر زبان جاری کردن این جمله: والله، یا به خدا این کار را خواهم کرد و یا آن را انجام نخواهم داد، خود را ملزم به رعایت مفاد آن می‌کند. این نوع سوگند در فقه اسلامی کاربرد دارد و یاد کننده سوگند، بعد از تحقق شرایط می‌بایست طبق آن عمل نماید، وگرنه باید کفاره بپردازد (نجفی، ۱۳۹۴: ۲۷). نکته درخور توجه این که سوگند التزامی از ویژگی‌های بشری نیست، بلکه دیگران، حتی ذات مقدس خداوند نیز ممکن است برای تحقق وعده‌ها و یا وعیدهای خود، چنین سوگندی را یاد نمایند. سوگندهای التزامی دارای نمونه‌های گوناگونی است که نویسنده مقاله تحلیلی بر سوگندهای قرآن، به بررسی جامع آن پرداخته است:

۱-۱-۱-۳-۱- سوگند خداوند: اگرچه خداوند خود فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (آل عمران/۹)، خدا خلاف وعده نخواهد کرد. و هیچ نیازی به قسم ندارد، اما بسان همه کسانی که به نحوی سخن می‌گویند، با بشر سخن گفته، و در مواردی به همان شیوه کلامی آنها با قسم و دیگر ادوات توکید، آن را تأکید و تغلیظ نموده است.

۱-۱-۱-۳-۱- سوگند پیامبران: در این قسمت تنها یک مورد وجود دارد و آن سوگند التزامی حضرت ابراهیم (ع) مبنی بر شکستن بت‌ها است: «تَاللّٰهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ» (انبیاء/۵۷)، به خدا سوگند نقشه ای برای نابودی بت هایتان در غیاب شما طرح خواهم کرد.

۱-۱-۱-۳-۱- سوگند مردمان: قرآن کریم در این باره فرموده: «قَالُوا لَنْ نَّؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا» (طه/۷۲) گفتند: به خدای که ما را آفریده، ما هرگز تو را بر دلایل روشنی که به ما رسیده مقدم نخواهیم داشت.

۱-۱-۱-۳-۱- سوگند شیطان: از دیگر سوگندهای التزامی در قرآن، سوگند شیطان است: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ. إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» [شیطان] گفت: به عزت تو سوگند، همه آنها را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان خاص تو از میان آنها را... (فاکر میبیدی، ۱۳۸۳: ۳۸).

۱-۳-۱-۲- سوگندهای تحقیقی قرآن

سوگندی است که برای اثبات یا اسقاط (نفی) امری به کار می‌رود و یکی از ادله قضایی در حقوق و قضا است که به آن سوگند قضایی (اثباتی) گفته می‌شود. "سوگند تحقیقی، سوگندی است که برای اثبات حق و یا ردّ مطلبی یاد می‌شود و بیش‌تر در حقوق، قضا و گاهی در مجادلات و مشاجرات کاربرد دارد. این نوع سوگند از نظر شرعی اگر راست باشد مکروه است و اگر دروغ باشد حرام است. البته در مواردی که این نوع قسم، وسیله اثبات حق باشد، واجب می‌شود. این نوع قسم دارای دو مصداق بسیار مهم است، یکی سوگندهای خداوند در قرآن و دیگری سوگندهای قضایی و حقوقی، یعنی سوگندی که شخص، برای اثبات امری یا نفی آن، یاد می‌کند و از ادله اثبات دعوی به شمار می‌رود.

۱-۳-۱-۲-۱- **سوگندهای تحقیقی خداوند:** این نوع سوگند در قرآن کریم بسیار متنوع و متعدد است. از جمله سوگند خداوند به ذات مقدسش، سوگند خدا به پیامبر(ص)، قرآن و یا اشیاء گوناگون، از جمله سوگند به قلم (قلم/۱ و ۲)

۱-۳-۱-۲-۲- **سوگندهای تحقیقی پیامبر(ص):** در این بخش از سوگندهای قرآن، نوعی وحدت و یگانگی در همه ارکان آنها دیده می‌شود و در تمامی آن‌ها پیامبر اکرم(ص) ربّ خویش را مورد قسم قرار داده و خطاب به کافران، وقوع قیامت را به طور حتمی یادآور شده است (یونس/ ۵۳)، (فاکر میبیدی، ۱۳۸۳: ۳۹)

۱-۳-۱-۲-۳- **سوگندهای تحقیقی مردم:** در این بخش از قسم‌های قرآن، چهار سوگند وجود دارد که همگی از زبان فرزندان و خاندان حضرت یعقوب(ع) است (یوسف/ ۷۳)

۱-۳-۱-۲-۴- **سوگند اهل بهشت و دوزخ:** قرآن کریم، افزون بر اینکه برخی از سوگندهای مردم در دنیا را نقل کرده، خبر از قسم آنان در آخرت، بهشت و دوزخ را نیز می‌دهد (صافات/ ۵۶)

۱-۳-۲- سوگندهای عقدی

سوگند عقدی یا تأکیدی، همان سوگند فقهی است. در علوم قرآنی به آن سوگند غیرالهی و التزامی می‌گویند. "سوگندی است که شخص به موجب آن خود را مقید به فعل یا عدم فعلی می‌کند، این سوگند تحت عنوان یمین در جوار مباحث نذر و عهد مورد بحث است. یمین عقد، پیوند مستقیم با ادله اثبات دعوا ندارد. ایجاد یک ماهیت حقوقی در عالم اختیار است و میثاقی الزام‌آور و عدم ایفای عهد مانند عدم اجرای قرارداد مدنی باعث توجه مسئولیت به یادکننده سوگند می‌گردد. روسای کشورها، وزراء، نمایندگان مجلس و... در مراسم تحلیف چنین می‌کنند. تخلف از این نوع سوگند در اصطلاح فقهی، حنث نامیده می‌شود" (علیزاده، ۱۳۹۹: ۴۸). از روی عمد و اختیار بودن حنث از شرایط وجوب کفاره است (نجفی، ۱۳۹۴: ۳۳).

۱-۳-۲-۱- **انواع سوگندهای عقدی:** در ادبیات فقهی، سوگند اعم از منظر حکم تکلیفی یا وضعی و این که سوگند با چه چیزی محقق می‌شود و هم‌چنین انواع آن از مناظر مختلف بحث می‌شود:

۱-۳-۲-۱-۱- **سوگند تأکیدی در اخبار (سوگند شخصی):** "گاه گوینده برای تأکید بر درستی خبری که می‌دهد، سوگند یاد می‌کند. بدیهی است این سوگند، شرعاً نه تنها ممدوح نیست، که مذموم است" (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۷۶). اصولاً هر چند سوگند یاد کردن، جز برای دفع ستم از خویش یا برادران و خواهران دینی مکروه است (سبزواری، ۱۴۱۷: ۱۱۲) اما بدیهی است اگر کسی به دروغ، به خداوند سوگند یاد کند، به لحاظ حکم تکلیفی مرتکب حرام شده است.

۱-۳-۲-۱-۲- **سوگند تأکیدی در برانگیختن مخاطب (سوگند اخلاقی):** گاه انسان برای آن که مخاطب را به انجام کاری وادارد یا از انجام کاری بازدارد، سوگند یاد می‌کند، مانند آنکه بگوید تو را به خدا قسم می‌دهم که از جایت برنخیزی. این سوگند، هم نسبت به یاد کننده سوگند و هم نسبت به مخاطب او فاقد هرگونه اثر شرعی و حقوقی است (دانش پژوه، ۱۳۹۲: ۵).

۱-۳-۲-۱-۳- **سوگند تأکیدی در ایجاد یا پذیرش تعهد برای خویش:** گاه انسان برای آن که انجام دادن یا ترک کاری را برخود الزامی کند، سوگند یاد می‌کند، مثلاً سوگند یاد می‌کند که دیگر سیگار نکشد یا حداقل روزی دو ساعت مطالعه کند و مانند آن. یا در مقام پذیرش یک تعهد به صورت داوطلبانه یا در صورت درخواست قانون‌گذار یا طرف مقابل سوگند یاد می‌کند، مثل سوگند رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یا سوگند پزشکان، قاضیان، و وکیل‌ها در آغاز کار با سوگند گواهان در هنگام ادای گواه و... این نوع از سوگندها اگر به صورت صحیح و همراه با همه شرایطش انجام شود، دارای اثر شرعی و حقوقی است و انجام دادن یا ترک کار مورد نظر را بر صاحب سوگند واجب و الزامی می‌کند، به گونه‌ای که در صورت تخلف باید جریمه و کفاره نقض سوگند را بپردازد. یکی از مهم‌ترین مباحثی که در این از سوگند وجود دارد این است که "مقسم به" باید خداوند تبارک و تعالی باشد، بنابراین سوگند به غیر خداوند، هرچند پیامبر (ص) و سایر معصومان یا قرآن کریم و یا کعبه مشرفه و سایر امکنه مقدسه باشد، فاقد اثر است و الزام و تعهدی ایجاد نمی‌کند (همان). هم‌چنین امروزه اغلب محققان این گونه اظهارنظر می‌کنند که سوگند عقدی از نظر کاربردی دو قسم است: "قسمی که در حقوق تعهدات، هر شخص حقیقی در حقوق خصوصی ممکن است قبول

تعهدات و التزامات شخصی خود را نسبت به دیگران با سوگند به خدا موکد کند. قسم دوم سوگند خوردن در حقوق اداری است که از آن به مراسم تحلیف تعبیر می‌کنند (علیزاده، ۱۳۹۹: ۴۸)

۱-۳-۳- سوگند قضایی (اثباتی)

سوگند قضایی، از سوگندهای حقوقی محسوب می‌شود. این سوگند، علاوه بر «فقه»، در «دادگاه و امور حقوقی» نیز از جمله برای اثبات ادعا و اثبات بی‌گناهی مطرح است که به آن «یمین قضایی» می‌گویند و از انواع سوگند برای اثبات و اسقاط حق است و در مراجع قضایی، به عنوان یکی از ادله دعوی با آداب و آیین خاصی برگزار می‌شود. دانش پژوه، سوگند قضایی را این گونه تبیین می‌کند:

سوگندی که در چهارچوب قانون ادعا، اظهارات سوگند یاد کننده را اثبات می‌کند سوگند قضایی می‌گویند و در مقابل سوگند غیرقضایی که خارج از دادگاه اقامه می‌شود، به کار می‌رود. قانون مدنی از سوگند قضایی تعریف نکرده است، ولی می‌توان گفت سوگندی است که در دادگاه اتیان می‌شود و عبارت است از گواه قرار دادن خداوند در دادگاه بر وجود یا عدم وجود امری که سوگند خورنده ادعای آن را می‌کند، سوگند قضایی را سوگند اثباتی هم می‌نامند و در قانون مدنی به عنوان وسیله اثبات معرفی شده است و در یک تقسیم‌بندی کلی منکر در برابر دعوت به سوگند قضایی بر سه روش عمل می‌کند: "یا خود سوگند می‌خورد یا سوگند را به مدعی ارجاع می‌دهد و یا نکول می‌کند یعنی از سوگند سرباز می‌زند. این شیوه برگرفته از عبارت "البینه علی المدعی و الیمین علی المدعی علیه" است" (وکیل زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۵). وجه نام‌گذاری آن هم به این دلیل است که به هر روی در مرجع قضایی باید ادا شود.

"مقسم به" چه کسی باید باشد؟ از منظر فقها دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد: "نخست، دیدگاهی که به طور کلی، در فقه و حقوق جز سوگند به خداوند را نمی‌پذیرد و در این راستا به صراحت می‌گوید: "در هر حال، فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال نخواهد بود (العراقی، بی تا: ۱۰۷). برخی دیگر، فی الجمله در سوگند بین الادیانی سوگند به مقدسات آنان را در صورتی که سبب قوی‌تری برای حق‌گویی باشد، با تشخیص قاضی و با توجه به فلسفه سوگند قضا می‌پذیرد (ابن حمزه، ۱۴۱۰: ۲۱۴). برخی دیگر در کنار سوگند به خداوند، سوگند به مقدسات را نیز ضمیمه می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۱۴: ۱۰۲؛ حلی، ۱۴۱۰: ۱۴۱، ۳۱۸) در این میان فقه و حقوق اسلامی در حقوق کنونی ایران، فقط سوگند به خداوند را پذیرفته است و معتقدند که ذکر نام قرآن مجید برای مسلمان و دیگر کتاب‌های آسمانی برای پیروان آن‌ها صرفاً برای تغلیظ سوگند است و "مقسم به" "خدای قادر متعال" است. باید با لفظ جلاله (والله، بالله، تالله) ادا شود (دانش پژوه، ۱۳۹۲: ۱۳).

حقوق اسلامی، سوگند را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱. سوگند بتی یا قاطع دعوا، سوگندی که منضم به ادله نیست و به موضوع معین باز نمی‌گردد و هدف آن، سقوط یا تایید دعواست و به درخواست اطراف دعوا انجام می‌شود و دادگاه در دعوت یا الزام به سوگند دخالتی ندارد. فقها اختلاف به سوگند بتی را واجب دانسته‌اند (گیلانی، ۱۴۲۷: ۶۹۷) و (ابن السمنانی، ۱۴۰۴: ۲۸۵)، زیرا محلوف علیه باید معلوم باشد. ۲. سوگند تکمیلی، سوگندی است که مدعی برای تکمیل دلیل ناقصی که ارائه کرده است، ادا می‌کند که طبق نظر فقها این نوع سوگند در دعاوی مالی مسموع است (عاملی، ۱۴۱۶: ۲۵۶/۶). ۳. سوگند استظهاری، در اصطلاح، سوگند استظهاری به یمینی گفته می‌شود که برای احتیاط و استظهار حق به بینه ضمیمه می‌شود (سیوطی، ۳۱۴۱۸: ۴۷۱/۱) و دو شرط دارد: "شرط اول، وجود دلیل بر ثبوت حق است. بنابراین، دعوی نباید فاقد دلیل باشد. شرط دوم، تردید در بقای حق" (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۱۳). در این سوگند، در دعوا بر متوفی در صورتی که اصل حق، ثابت شده باشد و بقای آن در نظر ثابت نشده باشد و منوط به وجود بینه است، حاکم می‌تواند از مدعی بخواهد که بر بقای حق خود قسم یاد کند، که بررسی تفصیلی آن هدف نوشتار حاضر نیست. اینک در این جستار به بررسی انواع سوگندهای غزلیات شمس، از جلوه‌های قرآنی، فقهی و حقوقی پرداخته می‌شود.

۲- سوگندهای قرآنی در غزلیات شمس

مولانا شخصیتی اثرگذار در در حوزه‌های علوم اسلامی است. شخصیت جامع مولوی و اهمیت و گستردگی علوم فقهی موجب شده است که آن فقیه عارف از فقه و فقاقت و ظاهر شریعت گذر کرده و باطن و حقیقت و اصل شود و طریقت و شریعت را با هم درآمیخته و علاوه بر غزلیات، در مثنوی نیز در مباحث فقهی و قضایی نیز در زمینه حدود و تعزیرات، قصاص و دیات صید و ذباحت، غصب و ارث، خطای حاکم، قضاوت و سوگند منطبق بر نظر مشهور فقهای شیعی و سنی و گاهی با دیدگاه فقهی منحصر به فرد در اشعار خود زبان به سخن گشاید (وکیل زاده، ۱۳۹۸: ۳۷). مولانا در دیوان شمس نیز، به سبب مانوس بودن با قرآن کریم و علوم فقهی و قضایی، گوهرهای ناب افکار خود را با آیات الاقسام درآمیخته

و در اشعارش به نمایش گذاشته است. این پژوهش به بررسی تطبیقی، تفسیری و ادبی سوگندهای قرآنی اعم از التزامی و تحقیقی، با تبیین انواع و مرجع صدور آن‌ها این که از خدا، پیامبر، مردمان، شیطان و... صادر شده، از زوایای گوناگون می‌پردازد.

۱-۲- سوگندهای التزامی غزلیات شمس

۱-۱-۲- سوگند پیامبر

آن مه که بسوخت مشتری را بشکست بتان آزی را
گردن بگزید کافری را آخر نه به روی آن پری بود (۷۴۸۰/۲-۷۴۸۱)

اشاره دارد به آیه ذیل: «وَ تَاللّٰهِ لَآكِيدَنَّ اَصْنَامَكُمْ بَعْدَ اَنْ تَوَلُّوْا مُدْبِرِيْنَ. فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا اِلَّا كَبِيْرًا لَهُمْ لَعْلَهُمْ اِلَيْهِ يَرْجِعُوْنَ.» (النبياء/ ۵۸-۵۷ و الصافات ۸۳ تا ۸۹) و به خدا سوگند که چون شما بروید، چاره این بتان را خواهیم کرد. آنها را خرد کرد مگر بزرگترینشان را، تا مگر به آن رجوع کنند.

مولانا به طور ضمنی به بت شکنی حضرت ابراهیم و عهدی که با خدا برای شکستن بت و مبارزه با کافران و بت پرستان بسته بود، اشاره می‌کند و قرآن پژوهان و مفسران نیز به آن عهد و سوگند که از جمله سوگندهای پیامبران و از نوع سوگندهای التزامی است، پرداخته اند. چون تشویق‌ها و تهدیدهای حضرت ابراهیم در قوم بت پرست اثر نکرد، حضرت برای نابودی و شکستن بت‌ها سوگند خورد. مولانا نیز با تأثیرپذیری از قرآن و احادیث به این قسم عهدی خلیل اشاره می‌کند.

۲-۱-۲- سوگند شیطان

مرا چو گمره کردی مراد تو این بود چنان کنم که نبینی ز خلق یک محمود (۹۶۱۷/۲)

ناظر است به آیه: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص، ۸۲). گفت: به عزت تو سوگند که همگان را گمراه کنم.

یکی دیگر از سوگندهای التزامی در قرآن، سوگند شیطان است که به عزت خداوند قسم خورد و گفت همه بندگان گمراه خواهم کرد و در ادامه یک استثنا قائل شده و گفته: "الا عبادك منهم المخلصين" مگر بندگان خاص تو را. که خود شیطان اعتراف می‌کند که توانایی اغوای آن گروه از بندگان (مخلصین) را ندارد. مولانا نیز از میان تلمیحات مربوط به آفرینش انسان، در بیت فوق به مباحثه خدا و شیطان به سوگند شیطان بر اغوای انسان نظر دارد.

۲-۲- سوگندهای تحقیقی غزلیات شمس

۱-۲-۲- سوگند به کتاب آسمانی

عجب تو بیت معموری که طوافانش املاکند عجب تو رق منشوری کزو نوشند شربت‌ها (۶۸۰/۱)

ناظر است به آیه «وَالطُّورِ. وَكِتَابٍ مُّسْتَوٍ. فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ. وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ» (طور/ ۱-۴). قسم به کوه طور، و قسم به کتاب نوشته شده، در صفحه‌ای گشاده، و قسم به بیت المعمور.

در شعر مولانا، اصطلاحاتی هستند برگرفته از آیات قرآنی، که سوگندهای قرآنی را به ذهن خواننده متبادر می‌کند و مولانا با بهره‌گیری از این سوگندی که خداوند به خاطر عظمتش به آن سوگند یاد کرده و برای خدا مهم و مقدس هستند، خلق هنر کرده و مخاطب و معشوق خود را به طور ضمنی به بیت معمور (مکه) و رق منشور (کتاب آسمانی) تشبیه کرده و بر زیبایی و تحکیم کلام خود می‌افزاید در این بیت، مراد از رق منشور (صفحه گشاده)، کتاب آسمانی (قرآن) است و جزو سوگندهای نه‌گانه می‌باشد که خدای متعال در آیات با صفات مختلف به عظمت آن سوگند خورده است.

۲-۲-۲- سوگند به زمان

۱-۲-۲-۲- سوگند به شب

«وَاللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى» ای خواب برو حاشا تا از دل بیداران صد تحفه بری امشب (۳۱۸۹/۱)

اقتباس است از آیه شریفه «وَاللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى» (اللیل، ۱). سوگند به شب آنگاه که جهان را در خود فروپوشد.

مولانا درمضمون عرفانی شعر خود به شب که جزو مقسم‌های مکانی دنیوی و مهم خداوند است سوگند یاد می‌کند. طبق روایات قرآنی، سوگند به زمان به دو بخش تقسیم می‌شود: زمان‌های دنیوی، چون سوگند به شب (فجر/۲، ضحی/۲، لیل/۱ و انشقاق/۱۶)، روز (شمس/۳ و ضحی/۱)، عصر (عصر/۱)، سپیده دم (انشقاق/۱۶) و زمان‌های اخروی که مربوط به قیامت و آخرت است. از جمله قسم به روز موعود (بروج/۲). روز قیامت (قیامت/۱).

۲-۲-۲-۲- سوگند به روز

شعشۀ این خیال زان رخ چون «والضحاست» (۴۹۱۷/۱)

بوی خوش این نسیم از شکن زلف اوست

مستفاد است از آیه «وَالضُّحَى» (الضحی، ۱) سوگند به آغاز روز.

که من ترا نگذارم، به لطف بردارم (۱۸۰۳۲/۴)

بذات پاک من و آفتاب سلطنتم

ناظر است به آیه: «وَالضُّحَى. وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى. مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى» (والضحی، ۱ تا ۳). قسم بر ابتدای روز و سوگند به شب آن گاه که آرام گیرد که پروردگارت تو را رها نکرده و مورد خشم و کینه قرار نداده است.

بیت فوق از جمله ابیات چند سوگندی مولانا است که در قرآن نیز آمده و خداوند به ذات پاک خود سوگند خورده و شاعر با تاثیرپذیری از قرآن از آن بهره برده است. در این سوره ابتدا دو سوگند وجود دارد، سپس خداوند الطاف و نعمت‌هایش را به پیامبر یادآور می‌شود. این آیات چندسوگندی که سوگند به زمان (سپیده و شب) است، در شأن پیامبر نازل شده و دارای اهمیت فراوانی است. مفسران، هدف از نزول این سوره را دلداری دادن به پیامبر و بیان الطاف الهی نسبت به آن حضرت می‌دانند که خداوند به بهترین موقع روز و آرامش شب سوگند یاد می‌کند که خداوند تو را نگذاشته و دشمن نداشته است و به زودی پروردگارت به تو عطا خواهد داد تا خرسند گردی. نیشابوری می‌گوید: "گویا خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید از همان ابتدای خلقت، ترا دوست داشته و به حال خودت وانگذاشته‌ایم (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۲۴).

۲-۲-۲-۳- سوگند به سپیده‌دم و شب‌های دهگانه

مَنْ نَهَرَ رَحِيقَكَ الْمُفَجَّرَ (۱۲۵۲۳/۳)

الْفَجْرُ لَذَى وَ لَيَالٍ عَشْرٍ

اقتباس است از این آیه «وَالْفَجْرِ. وَ لَيَالٍ عَشْرٍ» (الفجر، ۱-۲). سوگند به سپیده‌دم و شب‌های ده‌گانه.

چنان‌که ذکر شد خداوند در قرآن به چیزهایی سوگند یاد می‌کند که از امور مهم هستند، از جمله "فجر" و "لیال عشر" و از انواع سوگند به زمان است که اهمیت آن در قرآن و به تبع آن در غزل‌های مولانا متجلی شده است. قرآن پژوهان معانی متعددی برای آن ذکر کرده‌اند و برخی آن را به معنی سپیده‌دم تفسیر کرده‌اند. فجر، در اصل به معنی شکافتن وسیع است و از آن جا که نور صبح، تاریکی را می‌شکافد، از آن تعبیر به "فجر" شده است که یکی از نشانه‌های خداوند و آغاز نور و پایان یافتن ظلمت است و نیز آغاز جنبش و حرکت موجودات زنده و پایان یافتن خواب و سکون است به خاطر این حیات، خداوند به آن سوگند یاد کرده است.

بعضی آن را به معنی "فجر آغاز محرم" که ابتدای سال قمری است تفسیر کرده‌اند. برخی دیگر به "آغاز روز عید قربان" که مراسم مهم حج در آن انجام می‌گیرد و متصل به شب‌های دهگانه است. هم‌چنین فجر به درخشیدن اسلام و نور پاک محمدی و نیز به قیام مهدی و قیام عاشورای حسینی تفسیر کرده‌اند. اما قسم به "لیال عشر" (شب‌های دهگانه) از اهمیت زیادی برخوردار است که مشهور شب‌های دهگانه ذیحجه است. برخی آن را ده شب آخر ماه رمضان دانسته‌اند که شب‌های قدر در آن است. برخی نیز آن را به شب‌های آخر ماه محرم تفسیر کرده‌اند. به هر حال "سوگند به شب‌های دهگانه دلیل بر اهمیت فوق العاده آن‌هاست" (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ۴۲۱).

۲-۲-۱-۳- سوگند به شب رونده

هم ننگ جمله مرغان هم حبس «لیل عسّس» (۱۲۸۹۲/۳)

اعدات آفتابا، می‌دان یقین خفاشند

مقتبس است از آیه «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَّسَ» (التکویر، ۱۷) و قسم به شب هنگامی که می‌رود.

"عسّس" گاه بر آمدن تاریکی و گاه بر زوال آن دلالت دارد. "عسّسه" یعنی تاریکی خفیفی که در آغاز و پایان شب حاصل می‌شود. از نوع قسم‌های قرآنی قسم به زمان (شب) است که مولانا با آوردن ترکیباتی زیبا و تشبیهاتی نادر در لابه‌لای کلام خود سوگندهای قرآنی را یادآور می‌شود

و با مضمون پردازی و استحکام و تاثیر پذیری کلام از این سوگند قرآنی بهره برده است.

۲-۲-۳- سوگند به عظمت خدا:

به جان تو سوگند عظیمست که جانم بی تو در بند عظیمست (۳۷۲۱/۱)

مقتبس است از آیه ذیل «وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ» (الواقعه، ۷۶) و این سوگندی است - اگر بدانید - بزرگ.

یکی از فواید سوگندهای قرآن، بیان عظمت چیزی است که به آن سوگند یاد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۴۴: ۲۰/۳۳۷). بنابراین مولانا با استناد به آیه قرآنی که خداوند در بیان عظمت خود سوگند یاد کرده با دید والای عارفانه و علوم قرآنی خود در شعر ایهام‌گونه خود، گریز رندانه زده و علاوه بر تلمیح به آیه فوق، سوگند به خداوند را نیز عظیم‌ترین سوگندها پنداشته است.

۲-۲-۴- سوگند به نظام هستی

پس لا تُبْصِرُونَ تَبْصِرُونِست بصر جستن ز الهام بصیریت (۳۷۵۲/۱)

اقتباس است از آیه شریفه «فَلَا أَقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ. وَ مَا لَا تُبْصِرُونَ» (الحاقه، ۳۸-۳۹). پس سوگند به آن چه می‌بینید و آن چه نمی‌بینید. یکی از دلایل سوگند خوردن خداوند در قرآن عظمت و شرافت مقسم به است، گاهی خداوند در قرآن از سوگندهای نه‌گانه گذر می‌کند و کل نظام هستی را مورد خطاب قرار می‌دهد، زیرا در بینش الهی تمام هستی اعم از دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها ارزشمند است، بدان جهت که همه دست پرورده خداست و صانع همه یکی است پس (تبارک الله احسن الخالقین) جز جمال نمی‌آفریند. بنابراین مولانا برای امتیاز بخشیدن به بصر و بصیر و بصیرت و موثر کردن کلام آن را با سوگند قرآنی درآمیخته و هنرمندانه افکار خود را به مخاطب القا می‌کند.

۲-۲-۵- سوگند به فرشتگان

بی عدد پیش جنازه می‌دود خوهای تو صبر تو و النَّازِعَات و شکر تو النَّاشِطَات (۴۱۰۲/۱)

اشاره است از آیه ذیل «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا» (النَّازِعَات، ۲-۱). سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به قوت می‌گیرند، و سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به آسانی می‌گیرند.

این سوگند از نوع سوگندهای مربوط به فرشتگان است که خداوند در سوره‌های متعدد قرآن با صفات مختلفی و با قسم‌های مکرر (چندسوگندی) به فرشتگان قسم یاد کرده و از ماموریت آن‌ها در عالم هستی و مطیع بودنشان خبر می‌دهد. مولانا در بیت مذکور با متوسل شدن به اطلاعات وسیع خود سوگند خداوند به فرشتگان را با هنرمندی‌های خود درآمیخته و بر تاثیر کلامش افزوده است.

۲-۲-۶- سوگند به مکان

۲-۲-۶-۱- سوگند به طور

برون در همه را چون سگان کو بنشان که در شرف سرکوی تو «طور سینین» است (۵۰۸۵/۱)

اقتباس است از آیه «وَ طُورِ سَيْنِينَ» (التین، ۲) و سوگند به طور مبارک.

خداوند در قرآن مکان‌هایی را مقدس شمرده و در مواردی به برخی از آن‌ها قسم یاد کرده است، برخی از این مکان‌ها زمینی هستند و برخی آسمانی. از جمله این مکان‌های مقدس زمینی در قرآن: کوه طور، دریای مملو (طور/۵و۶)، بیت‌معمور (طور/۴)، مشارق و مغارب (معارج/۴۰) و شهر مکه (بلد/۱ و تین/۳) که ولادتگاه و اقامتگاه پیامبر است. مکان‌های مقدس آسمانی که یکی از نشانه‌های عظمت خداوند در عالم هستی است و خداوند در قرآن به این نشان‌ها قسم یاد کرده، عبارت‌اند از: خورشید (شمس/۱)، ماه (شمس/۲، مدثر/۳۲ و انشقاق/۱۷). ستاره (نجم/۱)، واقعه/۷۵ و تکویر/۱۵). آسمان (بروج/۱، شمس/۵، طارق/۱ و ذاریات/۷) و... تا بندگان را به تفکر و اندیشه وادارد. مولانا نیز با تاثیرپذیری از قرآن به "طور سینین" که یکی از مکان‌های مقدس زمینی و آیات الاقسام خداوند است، با احترام نگریسته است

۲-۲-۶-۲- سوگند به شهر مکه

می‌گرد گرد شهر خوش، با شاهدان درکش مکش می‌خوان تو لاأُقْسِمُ نَهَانِ تا حَبَّذَا هَذَا الْبَلَدِ (۵۷۲۴/۲)

اقتباس است به آیه شری «لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ.» (البلد، ۱) قسم به این شهر.

مراد مولانا از "بهذا البلد" سرزمین مکه است. در حقیقت قسم به اقامتگاه پیامبر است که به خاطر اقامت و ولادت آن حضرت شرافت پیدا نموده

و در قرآن جزو مکان‌های مقدس زمینی شمرده شده و تا جایی که خداوند به عظمت آن شهر سوگند یاد کرده است و این شاعر شهیر عارف، با الهام از آیه قرآنی و با مضمون پردازی‌های زیبای خود در تلمیحات قرآنی دیوان شمس، هذا البلد (مکه) را مقسم به قرارداده است.

۲-۶-۳- سوگند به دریای مملو

بحر که مسجور بود تلخ بود شور بود در دل ماهی روشش به بود از قند و عسل (۱۴۳۸۷/۳)
مقتبس است از آیه: «وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ» (الطور، ۶) و به آن دریای مملو و برافروخته.

"دریای مملو" از مکان‌های مقدس زمینی مقسم به خداوند است. که در غزلیات شمس نمود پیدا کرده است. برای مسجور دو معنی در لغت ذکر شده: یکی "بر افروخته" و دیگری "مملو" بعضی معتقدند دریای مملو، هم این اقیانوس‌های کره زمین ماست که در آستانه قیامت، برافروخته و سپس منفجر می‌گردد که آیه ۶ سوره تکویر و اذبحار سجرت و هنگامی که دریاها برافروخته می‌شود، که سوگندهای فوق بر محور قدرت خداوند می‌چرخد.

۲-۶-۴- سوگند به آسمان

جانم نشد زینها خُنک، یا ذالاسماء والحُبک ای گلرخ و گلزار من، ای روضه و ازهار من (۱۸۷۸۴/۴)
اقتباس است از آیه: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ» (الذاریات، ۷) و سوگند به آسمان که دارای اعتدال و زیبایی و آراستگی است.

به عقیده مولانا تقدس و عظمت الهی در مخلوقاتش نهفته است، یکی از نشانه‌های عظمت خداوند در عالم خلقت افریش آسمان و کرات اسمانی از قبیل ماه، ستاره، زمین و... است که خداوند در قرآن آن‌ها را مقدس شمرده و به برخی از آن‌ها سوگند یاد کرده و بدین وسیله بندگان را به تفکر واداشته است. آسمان نیز یکی از مکان‌هایی است که خداوند به خاطر تقدس و عظمتش به آن سوگند یاد کرده و مولانا نیز با الهام از قرآن آن سوگند را در اشعار خود یادآور شده است.

۲-۶-۵- سوگند به کوه‌ها

خورشید ماه از وی خجل، گوهر نثار سنگ دل کز بیم او پشمن شود هر لحظه کوه آهنین (۱۸۸۲۰/۴)
مستفاد است از آیه: «وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ» (القارعه، ۵) و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی شده، گردد.

۲-۶-۶- سوگند به اختران

روز خوششان بین شام کنوشان بین سیر نفوشان بین گرد سرای مهتری (۲۶۰۳۷/۵)
اشاره است به آیات «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ. الْجَوَارِ الْكُنُوسِ» (التکویر، ۱۶-۱۵)، سوگند به ستارگانی که باز می‌گردند و در حرکت هستند و با طلوع خورشید پنهان می‌شوند.

یکی دیگر از سوگندهای عظیم خداوند، در اشعار مولانا سوگند به مکان‌های اسمانی و بروج اسمانی است. که نشان از عظمت خالق دارد. مراد از بروج ستارگان فروزان گردان در شب و روز است که خداوند در عالم هستی آن‌ها را بر اساس نظم آفریده است. که خداوند به آن‌ها قسم یاد نموده و بدین‌گونه آفریده‌های خود را به تفکر و اندیشه برانگیخته است.

۲-۶-۷- سوگند به اسبان دونده مجاهدان

لشکر «والعادیات» دست به یغما نهاد ز آتش «والموریات» نفس به افغان رسید (۹۳۴۳/۲)
اشاره دارد به آیات: «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا. فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا» (العادیات، ۱-۲)، سوگند به اسبان دونده‌ای که نفس نفس می‌زنند، سوگند به اسبانی که به سم از سنگ آتش می‌جهانند.

أُقْسِمُ بِالْعَادِيَاتِ، أَحْلِفُ بِالْمُورِيَاتِ غَيْرُكَ يَا الصَّلَاةُ فِي نَظَرِي كَالْمَدَرِ (۱۱۸۹۴/۳)
مقتبس است از آیه «وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا. فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا» (العادیات، ۱-۲) سوگند به اسبان دونده‌ای که همه‌کنان می‌تازند، و سوگند به اسبانی که با کوبیدن سم‌شان از سنگ جرقه می‌جهانند.

آیات مورد اشاره از جمله آیه‌های چند سوگندی قرآن است که خداوند با سوگند به اسبان دهنده ارزش والای جهاد را یادآوری می‌کند و مولانا نیز در اشعار خود به آن سوگند اشاره صریح کرده است. "خداوند با این سوگند ها می‌خواهد ما را به اهمیت جهاد و جایگاه رفیع آن در اسلام و ارزش‌هایش آگاه سازد، تا مسلمانان ذلت و خواری از خود ساخته و عزت و عظمت خویش را به رخ جهانیان بکشند" (علیان نژاد، ۱۳۸۶: ۳۲۱).

۲-۲-۸- سوگند به اشیا

۲-۲-۸-۱- سوگند به قلم

گر چو نونی در رکوع و چون قلم اندر سجود پس تو چون (نون و قلم) پیوند با (ما یَسْطُرُونَ) (۲۰۵۶۸/۴)

ناظر است به آیه: «ن، وَالْقَلَمِ وَ مَا یَسْطُرُونَ» (القلم، ۱) ن، سوگند به قلم و آن چه می‌نویسند.

سوگند به اشیا، از سوگندهای تحقیقی خداوند که انواع بسیار متنوع و متعددی در قرآن دارد. قلم نیز از جمله اشیاء مقدس و ارزشمندی است که خداوند در قرآن به دو چیز آن قسم خورده، قلم و نوشته‌های آن (ما یسطرون). اما این که منظور از قلم در قرآن کدام قلم است؟ برخی مفسران آن را قلم مطلق (وسیله نوشتن) تفسیر کرده اند و بعضی دیگر آن را قلم الهی بر لوح محفوظ دانسته (فخر رازی، ۱۳۸۳: ۷۸) و گروهی نیز قلم فرشتگان تفسیر کرده که نامه اعمال را می‌نویسند (میبدی، ۱۳۳۷: ۱۸۶). مولانا نیز در بیت فوق با تشبیهات هنرمندانه این سوگند مقدس الهی را آورده است.

۳- سوگندهای عقدی (تاکیدی) و قضایی (اثباتی) در غزلیات شمس

مولانا در سوگندهای فقهی غزلیات شمس، با سوگندهایی چون سوگند به خدا، سوگند به کتاب دینی و غیره هم به فرهنگ غنی ایرانی و سوگندهای ایران باستان، چون (ایاتکار زریبان و سوگندنامه) نظر داشته و هم از سوگندهای رایج فقهی دوره اسلامی متأثر بوده، نظیر دست بر مصحف نهادن. سوگند به ذات خداوند خوردن، سوگند به پیامبر و غیره که امروزه از منظر قضایی نیز کاربرد دارد. اغلب سوگندها مولانا در اشعارش صبغه عقدی و عرفانی دارد و مقسم به او برای تحقق وعده و وعیدهایش، معشوق ازلی "خداوند متعال" است که به مخاطب واحد، با الفاظی متنوع و سوگندهای گونه‌گون و دلنشین، چون سوگند به جان، به ذات، به جان، به جان عشق، به جمال و کمال، به زلف و غیره به مخاطب واحد سوگند یاد می‌کند و برای پذیرش و تحقق وعده‌هایش با او عقد می‌بندد و برای تعهد بر این پیمان تاکید می‌ورزد. از این رو در علوم فقهی، این سوگندها، سوگند عقدی یا تاکیدی نام گرفته‌اند.

۳-۱- سوگند تاکیدی در ایجاد یا پذیرش تعهد برای خویش در غزلیات شمس

۳-۱-۱- به خدا

به تو سوگند بخوردم که از این شیوه نگردم بکنم شور و بگردم به خدا و به خدایی (۲۹۹۱۴/۶)

۳-۱-۲- به ذات پاک خدا

ز عجز خوردم سوگند ها و گرم شدم به ذات پاک خدا و به جان پاک نبی (۳۲۴۳۶/۶)

در این ابیات مقسم به مولانا، خداوند متعال است. از دید گاه مولانا، سوگند به خداوند و ذات خداوند، که از تعهدآورترین سوگندهای فقهی و حقوقی است که در تمام ادوار به عنوان مقدس‌ترین و متداول‌ترین و سوگند به اعلی‌ترین مرتبه هستی رواج داشته و دارد. این سوگند، جزو غلیظ‌ترین و تاکیدی‌ترین و الزام‌آورترین سوگندهای مولاناست و از منظر فقهی، تعهدآورترین سوگند تاکیدی در پذیرش یک تعهد داوطلبانه است که به آن "یمین العقد" می‌گویند. متأثر است از حدیث نبوی "لا تحلفوا الا بالله" و در فقه و حقوق برگردان "والله"، "بالله" و "تالله" است. این سوگند هم چنین در مراجع قضایی از رایج‌ترین و پرکاربردترین سوگندهاست. فقهای اسلامی معتقدند: "سوگند به غیر خداوند، حتی سوگند به پیامبر، امامان، قرآن، مکان‌های مقدس و غیره الزام و تعهدی ایجاد نمی‌کند" (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲: ۸) و دارای شرایطی است که انجام یا ترک آن مرتب اثر شرعی و حقوقی است که مقسم در صورت نقض سوگند باید کفاره بپردازد (نجفی، ۱۳۹۴: ۲۲۲).

۳-۲- سوگندهای تاکیدی در اخبار (سوگند شخصی) غزلیات شمس

۳-۲-۱- به جان نبی

مولانا نیز با افکار قرآن شناسانه و فقیهانه خود در اشعارش، برای تاکید بر درستی خبری که می‌دهد، در کنار سوگند به ذات خداوند، برای تغلیظ

سوگند، به جان پاک نبی نیز سوگند یاد می‌کند. این سوگند از جمله سوگندهای تأکیدی (یمین العقد) در فقه و سوگندهای تحقیقی در قرآن به شمار می‌رود که خداوند در قرآن به صراحت، هم به ذات پاک خود (نحل/ ۶۳) و هم به پیامبر (حجر/ ۷۲) سوگند یاد کرده است و سوگند به ذات پاک خود با سوگند به پیامبر در یک ردیف قرار گرفته است. ولی امروزه از دیدگاه فقها و حقوقدانان، صرفاً سوگند به خدا از سوگندهای قضایی محسوب می‌شود و در مرجع قضایی برای اثبات ادله کاربرد دارد.

۳-۲-۲- به جان

به جان تو که سوگند عظیمست که جانم بی تو در بند عظیمست (۳۷۲۱/۱)

سوگند به جان، از جمله سوگندهای تأکیدی "یمین العقد" های مهم در فقه به شمار می‌رود. این سوگند منشعب از سوگند خداوند متعال در قرآن است به اعتبار آیات شریفه "انه لقسم لو تعلمون عظیم" (واقعہ/ ۷۶) سوگندی است عظیم، بلکه در میان ابنای بشر نیز از رایج‌ترین و با ارزش‌ترین سوگندها بعد از سوگند به باری تعالی به شمار می‌رود، که خداوند به وضوح در قرآن به جان خود و نیز به جان پیامبر در سوره حجر با عبارت "لعمرك انهم لفی سكرتهم یعمهون" (حجر/ ۷۲)، سوگند یاد کرده است به تبع آن از منظر مولانا، سوگند به "جان"، سوگند با عظمت و تعهدآور فقهی و قرآنی است، زیرا علاوه بر رویکرد فقهی سوگند، در عالم عارفان، جان گران‌بهارترین گوهر هستی است که منشأ خدایی دارد و خدا از روح خود در آن دمید و بدان حیات بخشید. این سوگند از پر بسامدترین سوگند ها در غزلیات شمس است که مولانا لفظ "جان" را در غزلیاتش با الوان گونه‌گون چون سوگند به جان، سوگند به جان عشق و سوگند به جان دل و... آراسته است و بدین وسیله عهد با معشوق می‌بندد و بر استواری عهدش تأکید دارد.

دوش به تازه عهد کردم سوگند به جان تو بخوردم

کز روی تو چشم بر ندارم گر تیغ زنی ز تو نگرדם... (۱۶۳۷۱/۳- ۱۶۳۷۵)

سوگند به جان تو که جز دیدن رویت گر ملک زمینست فسونست و فسانه (۱/ ۳۵۹۶)

در ابیات فوق، مولانا باز هم مکرر به جان معشوق سوگند عهدی می‌خورد و عهد می‌بندد که تنها روی معشوق و دیدن معشوق و وصال برایش آرزوست و غیر آن همه فسونست و فسانه. متعهد می‌شود و سراسر توجهش معشوق است.

جان من و جان تو گویی که یکی بوده‌ست سوگند بدین یک جان کز غیر تو بیزارم (۱۵۴۰۲/۳)

از دیدگاه عرفانی روح مولانا به روح معشوق پیوسته و ما، من شده است. مولانا به این جان واحد قسم می‌خورد و تأکید می‌کند که از اغیار بیزار است و فقط به دوست می‌اندیشد.

۳-۲-۳- به جان عشق

نمی‌خورم به حلال و حرام من سوگند به جان عشق که بالاست از حلال و حرام

به جان عشق که از جان جان لطیف‌تر است که عاشقان را عشق است هم شراب و طعام (۱۸۱۶۷/۴- ۱۸۱۶۸)

عشق و معشوق به نظر مولانا شخصیتی واحد دارند و عشق پر بسامدترین واژه‌ای است که جانشین معشوق شده که مولانا در شعر خود با تأکید بر درستی خبر، به جان عشق که جایگاهی فوق حلال و حرام دارد، سوگند عقدی می‌خورد.

۳-۲-۴- به جان دل

گفت به زیر لب من جان نبرم از وی سوگند به جان دل کان کار چنان گشته (۲۴۵۳۰/۵)

سوگند به جان دل، از صمیمی‌ترین سوگندهای عهدی و تأکیدی مولانا است که با قسم خوردن، بر درستی خبر و اسارت خود در بند معشوق تأکید می‌کند.

۳-۲-۵- به خشم و کینه

فریاد ز یار خشم کرده سوگند به خشم و کینه خورده (۲۴۸۳۴/۵)

مولانا همواره عاشق هر دوزد بوده زیرا خشم و کینه معشوق هم برای عاشقی چون مولانا خوشایند است لذا برای اثبات کلام و وعده‌هایش، علاوه بر جان عشق، جمال و کمال معشوق و... به خشم و کینه معشوق هم سوگند می‌خورد.

۳-۲-۶- به زلف

سوگند بدان زلفی عاشق کش سودایی

جان گفت که ای فردم سوگند بدین دردم

نی ما و نه من کردم ای مفرد یکتایی (۶/ ۲۷۷۳۲ - ۲۷۷۳۳)

کان عهد که من کردم بی جان و بدن کردم

زلف، در اصطلاح عرفا، تجلیات جمالی و جلالی ذات و طریقت سلوک و ریسمان و کمند هدایت ربوبی است (سجادی، ۱۳۹۳) مولانا گاهی برای تاکید در عهد سوگندهای متفاوتی یاد می‌کند و سوگندها را با دیدگاه عرفانی خود درمی‌آمیزد و عهد تعهدآورش را با سوگند به درد هجران و زلف که این درد با تجلیات جمالی و جلالی (ذات معشوق) التیام می‌پذیرد، تجدید می‌کند.

۳-۲-۷- به جمال و کمال

کز چشم خویش هم پنهان است آن یکی

سوگند می‌خورم به جمال و کمال او

در باغ عشق سرو روان است (۶/ ۳۱۸۳ - ۳۱۸۴)

بر فرق خاک آب روان کرد عشق او

مولانا اغلب به سوگندهای خود رنگ و بوی عرفانی می‌بخشد او در سوگندهای تعهدآور خود به کمال و جمال (زیبایی ظاهری و باطنی) معشوق و به طور ضمنی به ذات معشوق، سوگند عهد الزام آورری می‌خورد تا بردرستی خبری که می‌دهد، تاکید کند.

۳-۳- سوگند تاکیدی در برانگیختن مخاطب (سوگند اخلاقی)

۳-۳-۱- به سایه لطیف

سوگند نمی‌خورم به ذات

سوگند به سایه لطیف

چون غرقه شدند در صفات (۱/ ۳۹۴۹ - ۳۹۵۰)

در ذات تو کی رسند جانها

این سوگند از نوع سوگند عقدی یا تاکیدی در برانگیختن مخاطب (سوگند اخلاقی) در فقه است. مولانا با توجه به این که سوگند به ذات خداوند از سوگندهای عظیم است و از ابعاد فقهی دارای آثار شرعی و حقوقی است، به ذات مقدس خداوندی قسم نمی‌خورد بلکه با مضمون پردازی‌های هنرمندانه خود در اشعارش، به طور کنایی و با دید عارفانه خود، با سوگند به سایه لطیف خداوندی مقسم به را به انجام کاری وامی‌دارد و تاکید دارد که جان‌ها را از صفات و ظاهر منفصل کرده و به ذات ابدی متصل کند. این نوع سوگند فقهی فاقد هرگونه اثر شرعی و حقوقی برای هم یادکننده سوگند و هم مخاطب اوست.

۳-۴- سوگندهای قضایی (اثباتی)

۳-۴-۴- بر مصحف

کز لولوی آن دلبر لالای دمشقیم (۳/ ۱۵۷۳۱)

بر مصحف عثمان بنهم دست به سوگند

که جز از دست و کفت می‌نستائیم همه (۵/ ۵۲۵۲۱۴۸)

مصحف آریم و به ساقی همه سوگندخوریم

مصحف یا مصحف عثمان، نسخه‌ای از قرآن است. دست بر مصحف نهادن، در واقع سوگند خوردن به خداوند متعال از سوگند قضایی و فقهی رایج و کلاسیک می‌باشد که در زمان مولانا نیز رواج داشته و مولانا با توجه به دیدگاه مذهبی و فقیهانه خود در اشعارش به آن اشاره کرده است. دست بر قرآن گذاشتن نیز به معنای گواه قرار دادن خداوند یکی از ادله دعوا در مراجع قضایی بر وجود یا عدم وجود امری است که با آداب و آیین خاصی برگزار می‌شود. هر چند که ممکن است اسناد مکتوب و امضا و آیین آن بنا به اقتضای زمان مولانا به اندازه امروز شایع نبوده و با تشریفات امروزی متفاوت باشد، در کل اهداف واحدی را بیان می‌کنند و امروزه نیز از جمله سوگندهای رایج و معتبر سوگند به خداوند است. این نوع سوگند، در برابر یمین قضایی از نوع دیگری از سوگند یعنی یمین العقد هم یاد می‌شود. مولانا نیز به مثابه دیگر فقها اعتقاد دارد که اسلوب قسم در قرآن و دیگر کتب آسمانی منحصر نیست، بلکه این شیوه در ادیان مختلف و در میان تمامی افراد بشر گستره دارد. طبیعت و سرشت انسان اقتضا می‌کند خبری را که می‌شنود و اتفاقی که به وقوع می‌پیوندد، مورد تاکید قرار گیرد، برای این تاکید و اطمینان باید قسم یاد شود، از آن جایی که قرآن کتاب آسمانی است؛ بنابراین یکی از ابزار مهم و با ارزشی است برای ادای سوگند. به طوری که سوگند خورنده دست راست بر روی قرآن می‌گذارد و برای اثبات یا نفی سخن مورد ادعا به خداوند سوگند می‌خورد به این دلیل "یمین" نیز می‌گویند که شاهد بیت‌های مولانا مبنی بر سوگند به مصحف و دست گذاشتن بر روی مصحف، ناظر بر این نوع یمین عهدی و قضایی است.

نتیجه‌گیری

سوگند، از رسوم کهن جهان است که ریشه در باورها و اعتقادات هر ملت دارد و دارای آیین و آداب خاصی است. سوگند در ادبیات به دو دوره تقسیم می‌شود: دوره قبل از اسلام و دوره اسلامی. سوگند دوره قبل از اسلام، همان سوگند ایران باستان است که به آن «ور» (آزمایش) می‌گفتند. یکی از مهم‌ترین انواع ور سرد، سوگند خوردن است. سوگند در دوره اسلامی انواعی دارد: سوگندهای قرآنی، فقهی و قضایی. در این پژوهش، مسئله مهمی که پیش رو قرار داشت این بود که نگاه مولانا به سوگند چگونه بوده و تا چه حد از سوگندهای قرآنی، فقهی و حقوقی، در بیان مضامین بلند شعر خود بهره برده است؟ مولانا یکی از شهرت‌ترین شاعران و عارفان فقیه قرن هفتم، به دلیل شمول شمه مذهبی، قرآنی و فقهی در حوزه علوم اسلامی، در غزلیات خود، هم به آیات الاقسام پرداخته و هم با دیدگاه عارفانه و فقیهانه خود، برای وجوب وفا به معشوق سوگند عقدی "یمین العقد" و قضایی یادکرده و به مقدسات دینی چون به خدا، به جان نبی، به جان عشق به مصحف و کتاب آسمانی و غیره قسم می‌خورد. سوگندهای قرآنی، قسمت عظیمی از اندیشه‌های مولانا است که به سبب مانوس بودن مولانا با قرآن کریم، در غزلیات شمس بسامد بالایی دارد که مولانا گوهرهای ناب افکار خود را با آیات الاقسام درآمیخته و در اشعار خود با عنوان "سوگندهای قرآنی" متبلور ساخته است. علاوه بر آن یکی دیگر از مصداق‌های سوگندهای تحقیقی خداوند در قرآن، که در غزلیات شمس کاربرد فراوانی دارد، سوگندهای خداوند است و خداوند در قرآن به چیزهایی سوگند خورده که دارای تقدس و عظمت و اهمیت است. تحقیق حاضر، به تبیین و استخراج انواع سوگندهای قرآنی، عقدی و قضایی در غزلیات شمس و طبقه‌بندی آن‌ها پرداخته است که غالب توجه محققان و قرآن پژوهان به ابعاد اسطوره‌ای آن معطوف بوده است. در راستای موضوع، تحقیقی جامع و مستقل نگارش نیافته است که در پاسخ به سوال این پژوهش، کمیت و کیفیت سوگندها اعم از فقهی، حقوقی و قرآنی موجود در غزلیات شمس به طور مستقل و جامع بیت به بیت مورد مذاقه قرار داده و به مطابقت با سوگندهای قرآنی، فقهی و حقوقی، با مدنظر قرار دادن کتب و تفاسیر معتبر، به شیوه تطبیقی، تحلیلی پرداخته است و با کشف فهم انواع سوگندهای موجود در دیوان شمس، فزون بر فهم عمیق و تفسیری بخشی از ابیات، به درک رموز اشعار و افکار وسیع مولانا نیز در کاربرد انواع سوگندهای قرآنی، فقهی و قضایی کمک کرده و موجب گره‌گشایی از افکار شاعر را فراهم آورده است.

منابع

- قرآن مجید (۱۳۶۷). ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: سروش.
- ابن حمزه طوسی، محمد ابن علی (۱۴۱۰). *الوسيلة الى نيل الفضيلة در الينابيع الفقيه*، ج ۱۱. بیروت: موسسه الفقه الشيعه والدار الاسلاميه.
- ابن السمنانی، علی بن محمد بن احمد (۱۴۰۴). *روضه القضا و طريق النجاة*. بیروت: موسسه الرساله.
- اردبیلی، محقق مقدس احمد بن محمد (۱۴۱۴). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، ج ۱۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بالی، علی (۱۳۹۸). بررسی سوگندهای سعدی در پرتو پارادایم بازی‌های زبانی، *مجله علمی پژوهشی (بوستان ادب)*، ۱۱ (۲)، ص ۳۱-۵۲.
- بهار، ملک الشعرا (۱۳۲۱). *سوگند در ادبیات فارسی*، *مجله مهر*، ۷ (۴)، ص ۲۰۹-۲۲۰.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۲۱). *سوگند، مجله مهر*، (۷۵-۷۶)، ص ۲۸۱-۲۹۲.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۴۷). *اوستا*. ۴ جلدی. تهران: نشر دانشگاه.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲). *لکشف و البیان عن تفسیر قرآن*. بیروت: دارالتراث العربی.
- جعفری قنوازی، محمد (۱۳۹۹). *سوگند*. تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*، ج ۳۳، قم: موسسه آل البیت.
- حلی، علامه حسن بن یوسف (۱۴۱۰). *ارشاد الاذهان درالینابيع الفقیه*، ج ۳۳، بیروت: موسسه الفقه الشيعه والدار الاسلاميه.
- خرقانی، حسن (۱۳۸۹). درآمدی بر بحث سوگند در قرآن. *فصل نامه الهیات و حقوق*. (۱).
- دانش پژوه، مصطفی (۱۳۹۲). سوگند در دعاوی بین‌الادیانی و بین‌المللی د فقه امامیه و حقوق ایران، *پژوهش‌های فقهی*. ۹ (۴)، ص ۱-۱۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

رحیمی، محمدعلی (۱۳۹۳). *سوگند در زبان و ادب فارسی*. دانش اموختگان ارسنجان.

رهبر، علی (۱۳۴۸). *سوگند و رد پای آن در ادبیات فارسی*، مجله هنر و مردم، ۷ (۸۳)، ص ۱۵-۴.

زارعی نژاد، ابوالفضل (۱۳۹۱). *قسم‌های خداوند در قرآن*، دانشنامه اسلامی. ۱۷ بهمن.

زراعت، عباس (۱۳۸۸). *دله اثبات دعوا*. کاشان: انتشارات قانون مدار.

سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۱۲). *مذهب الاحکام*، ج ۲۷. دمشق: الطبعة الرابعة.

سیوطی، عبدالرحمن بن بکر (۱۴۱۸). *همع الهوامع فی شرح جمع الجوامع*، تحقیق احمد شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.

سجادی، سیدجعفر (۱۳۹۳). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*. تهران: شبکه جامع کتاب گیسوم.

شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۰). *الدروس الشرعیه در الینایع الفقهیه*، ج ۳۳، بیروت: موسسه الفقه الشیعه و الدار الاسلامیه.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، ۴۰ جلدی، (به قلم آقای محمدعلی کرامی قمی). قم: موسسه مطبوعات دارالعلم قم.

عراقی، آغاضیاءالدین (بی تا). *کتاب القضاء*. النجف: المطبعة علمیه.

علیان نژاد، ابوالقاسم (۱۳۸۶). *سوگندهای پربار قرآن*. هران: علی بن ابیطالب.

علیزاده، مریم (۱۳۹۹). *واکاوی فقهی جایگاه اثباتی سوگند در دعوا از دیدگاه مذاهب اربعه*، *مطالعات دین پژوهی*، ۴ (۸)، ۶۴-۴۳.

فاکر میبدی، محمد (۱۳۸۳). *تحلیلی بر سوگندهای قرآن با پژوهش‌های قرآنی، ویرانه‌نامه قرآن و آسیب‌های اجتماعی*، مقاله علمی پژوهشی *حوزوی*،

(۳۷ - ۳۸).

فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر (۱۳۸۳). *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*. ۹ جلدی، ترجمه دکتر علی اصغر حلبی. تهران: نشر اساطیر.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *اثبات و دلیل اثبات*. تهران: نشر میزان.

کیانی، حسین (۱۳۷۱). *سوگند در زبان و ادب فارسی*. تهران: دانشگاه تهران.

گیلانی، میرزای قمی ابوالقاسم بن محمد (۱۴۲۷). *رسائل المیزان القمی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

محقق داماد یزدی، سید مصطفی (۱۳۶۲). *مباحثی از اصول فقه*. تهران: اندیشه نو در علوم اسلامی.

محمد عاملی، شیخ بهاءالدین (۱۴۲۹). *جامع عباسی*، (با حواشی هشت فقیه عالی مقام). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه دفتر انتشارات اسلامی.

محمود عبدالرحمن، عبد المنعم (۱۴۱۹). *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه*. قاهره: دار الفضیله.

مدنی کرمانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۳). *دله اثبات دعوی*. تهران: پایدار.

معلوف، لوئیس (۱۳۸۰). *المنجد*، ترجمه: محمد بندر ریگی. تهران.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). *تفسیر نمونه*. ۲۷ جلد. تهران: دارالکتب الاسلامی.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۶۳). *کلیات شمس تبریزی یا دیوان کبیر*. ۱۰ جلدی، (با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر). تهران:

سپهر.

مولوی، جلال‌الدین محمد بلخ (۱۳۹۳). *مثنوی (بر اساس نسخه رینولد آلین نیکلسون)*. تهران: امیرکبیر.

میبدی، رشیدالدین (۱۳۳۷). *کشف الاسرار و عده الابرار*. ۱۰ جلدی، (به اهتمام علی اصغر حکمت). تهران: دانشگاه تهران.

نجفی، محمد حسن (۱۳۹۴). *جواهر الکلام فی شرح الاسلام*. قم: دار الکتب الاسلامیه.

وکیل زاده، رحیم (۱۳۹۸). *احکام فقهی در آیین مثنوی مولوی*. نشریه دانشکده ادبیات تبریز. (۳۰)، ص ۱۳۷-۱۵۴.